

بازهم دومقاله در مورد بریکس :

مقاله اول:



نویسنده : م.ک. بهادر اکمار (M.K. Bhadra Kumar).

منبع و تاریخ نشر: نیوزکلیک «2023-08-10».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

غرب درباره نشست بریکس پارانویا «سخت عصبی» است

West paranoid about BRICS summit

تعریف کلاسیک پارانویا: به دلیل اینکه معتقد اید که دیگران شمارادوست ندارند؛ یا سعی در صدمه زدن بشما دارند؛ پس شما به شدت عصبی و نگران هستید.

شایعه سازی موضع هند توسط یک خبرگزاری غربی بخشی از طرز فکر قدیمی استعماری «تفرقه بینداز و حکومت کن» است که برای تقویت اختلافات بین کشورهای عضو بریکس کار می کند.



رویترز هفته گذشته گزارشی گمانه زنی را منتشر کرد مبنی بر اینکه **نارندرا مودی**، نخست وزیر هند ممکن است شخصا در نشست بریکس در ژوهانسبورگ شرکت نکند و

علاوه بر این، هند از گسترش این گروه حمایت نمی کند. علیرغم سابقه طولانی رویترز از انحراف در جنگ سرد، رسانه های زودباور هندی در دام شایعه پراکنی افتادند.

سردرگمی ایجاد کرد، اما فقط لحظه ای. آفریقای جنوبی آگاه است که با وضعیت بازی در روابط دوجانبه خود با ایالات متحده، معادلات شخصی عالی رئیس جمهور **سیریل رامافوسا** با **ولادیمیر پوتین**، رئیس جمهور روسیه، اقامت بریکس در مسیر "دلارزدایی" و گسترش آن. انتظارات زیادی از نقش سازنده دولت **مودی** برای تبدیل رویداد آتی در ژوهانسبورگ به نقطه عطف تاریخی در سیاست جهانی قرن بیست و یکم وجود دارد.

سخنان ساده **نالدی پاندور**، وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی در مورد گزارش رویترز در جای خود است. **پاندور** گفت: «من با همکاران مختلف در دولت و خارج صحبت کردم و همه از این شایعه متحیر شدند. من فکر می کنم کسی که تلاش می کند اجلاس ما را خراب کند، انواع داستان هایی را خلق می کند که نشان می دهد موفقیت آمیز نخواهد بود.»

نخست وزیر هند هرگز نگفته است که در این اجلاس شرکت نمی کند. من دائماً با **جیشانکار** وزیر امور خارجه در تماس هستم. او هرگز این را نگفته است. شریاهای ما در تماس هستند و هرگز آن را نگفته اند. بنابراین، همه ما سعی کرده ایم این سوزن را در انبار گاه جستجو کنیم که این شایعه را آغاز کرد.»

زمانی نه چندان دور بود که غرب برجام را به عنوان پروانه ای بی اثر که در نظم جهانی تحت سلطه G7 بال های خود را در خلأ می کوبد، مسخره می کرد. اما «اثر پروانه ای» امروزه در بازسازی نظم جهانی احساس می شود.

به بیان ساده، جریان سیل آسا رویدادها در سال گذشته در وضعیت اطراف اوکراین، مبارزه وجودی روسیه را در برابر ایالات متحده آشکار کرد، که به نوبه خود باعث تغییر زمین ساختی در چشم انداز بین المللی شد، یکی از جنبه های دگرگون کننده، ظهور است. جنوب جهانی و نقش فزاینده مهم آن در سیاست بین الملل.

دولت بایدن انتظار نداشت که قطبی شدن برای منزوی ساختن روسیه و چین به این نتیجه برسد به طرز متناقضی، "محدودیت دوگانه" روسیه و چین توسط واشنگتن، همانطور که در استراتژی امنیت ملی دولت بایدن تصریح شده است، آغازی برای جدا شدن جنوب جهانی از کنترل قدرت های بزرگ، تغییر موقعیت و نقش بین المللی آنها و جستجوی استراتژیک بود. اعتماد به نفس و استقلال.

عربستان سعودی نمونه ای درخشان است - با فرض یک مسیر مستقل در نقاط داغ منطقه مانند سودان یا سوریه، به جای اطاعت از دستورات واشنگتن، و به دنبال عضویت در برجام، بازار جهانی نفت را از طریق فرمت اوپک پلاس تنظیم می کند.

کشورهای در حال توسعه در بازی قدرت های بزرگ فضایی برای مانور پیدا می کنند و نفوذ سیاسی آنها به سرعت افزایش یافته است. استقلال دیپلماتیک و استقلال استراتژیک آنها در پس زمینه بحران اوکراین، ظهور آنها را به عنوان یک نیروی نوظهور در سیاست جهانی در مدت زمان بسیار کوتاهی تسریع کرده است.

آنچه 23 کشور غیر غربی را وادار می کند تا رسماً به دنبال عضویت در بریکس باشند - اگرچه این گروه حتی دبیرخانه ای هم ندارد - این است که این گروه امروزه به عنوان پلت فرم اصلی جنوب جهانی که از نظم جهانی عادلانه حمایت می کند تلقی می شود و بنا بر این، با سرنوشت بشر تلاش می کند.

بریکس از همان بدو تأسیس خود به اندازه کافی زیرک بود که «غرب ستیزی» را در دستور کار خود تزیین نکند - در واقع، هیچ یک از اعضای مؤسس آن «ذهنیت بلوکی» ندارند. اما این مانع از احساس خطر غرب نشد. در واقع، این تصور تهدید ناشی از ترس بیمارگونه از انقراض است که تسلط 4 قری غرب بر نظم سیاسی و اقتصادی و نظام بین الملل رو به پایان است.

نئومرکانتیلیسم، که برای جلوگیری از افول اقتصادهای غربی حیاتی است، به چالش کشیده شده است، همانطور که در زمان واقعی در **نیجر** شاهد آن هستیم بدون انتقال گسترده منابع از آفریقا، غرب با آینده ای مبهم روبروست. **جوزپ بورل**، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در لحظه ای ضعیف گفت که غرب، یک باغ آراسته، توسط جنگل تهدید میشود. ترسها و غرایز آتوویستی مستتر در استعاره **بورل** به سادگی خیره کننده هستند.

از این رو چنین دیوانگی برای فروپاشی بریکس، تضعیف عزم آن، خدشه دار کردن وجهه و جایگاه آن، و جلوگیری از افزایش شتاب آن وجود دارد. افسوس که همان طرز فکر قدیمی استعماری «تفرقه بینداز و حکومت کن» در حال کار است تا اختلافات و اختلافات بین کشورهای عضو بریکس را تقویت کند.

بحث در مورد موضع هند در مورد گسترش بریکس تنها از این طریق قابل مشاهده است. هفته گذشته، پس از شایعه پراکنی رویترز، سخنگوی وزارت خارجه هند مجبور شد بار دیگر توضیح دهد: «اجازه دهید دوباره تکرار کنم. ما موضع خود را در گذشته روشن کرده ایم. طبق دستور رهبران در سال گذشته، اعضای بریکس به صورت داخلی در حال بحث در مورد اصول راهنما، استانداردها، معیارها و رویه های فرآیند توسعه بریکس بر اساس مشورت و اجماع کامل هستند. همانطور که وزیر امور خارجه کشورمان گفته بود، ما با دیدی باز و با دیدی مثبت به این موضوع می پردازیم. ما گمانه زنی های بی پایه ای را دیده ایم... مبنی بر اینکه هند نسبت به توسعه محفوظ است. این به سادگی درست نیست. بنابراین اجازه دهید من آن را خیلی واضح از آن بیان کنم».

سخنگوی هند در رابطه با قصوری که **مودی** قصد داشت از سفر به ژوهانسبورگ صرفنظر کند، واکنش نشان داد: «از شما می‌خواهم به گزارش‌های گمانه‌زنی رسانه‌ها نپردازید. وقتی در موقعیتی باشیم که بتوانیم در مورد چنین بازدیدهایی در سطح بالا صحبت کنیم، مطمئناً این کار را انجام خواهیم داد و شما می‌دانید که این رویه ما بوده است. فعلاً از همه شما می‌خواهم که صبور باشید و بگذارید در زمان مناسب آن را اعلام کنیم».

به همین ترتیب، توطئه انگلیسی-آمریکایی پشت حکم دستگیری **پوتین** توسط دیوان کیفری بین‌المللی بدیهی است. روسیه پیشگام BRIC بود و اولین اجلاس سران این گروه در سال 2008 در یکاترینبورگ برگزار شد [که اتفاقاً بیا نیه ای مشترک صادر کرد و نسبت به تسلط جهانی دلار آمریکا به عنوان ارز ذخیره استاندارد جهانی هشدار داد].

پوتین به طور خستگی‌ناپذیری برای «دلارزدایی» مبارزه کرده است و امروز در صحنه بین‌المللی پرطنین‌ترین صدا در این زمینه است. پیش‌بینی **پوتین** در جنوب جهانی مقبولیت گسترده‌ای پیدا کرده است، همانطور که از مهاجرت کشورهای که ارزهای ملی را برای تسویه پرداخت‌های متقابل خود انتخاب می‌کنند، مشهود است.

واشنگتن به طور فزاینده‌ای نگران است که فرآیند «دلارزدایی» در سیستم مالی بین‌المللی به دنبال سلاح زدایی بیش از حد از تحریم‌ها و تصرف خودسرانه ذخایر دلاری کشورهای که با آن‌ها کنار نمی‌آید، مورد توجه قرار گرفته است.

جالب اینجاست که **بلومبرگ** مقاله‌ای را در مورد اجلاس بریکس با عنوان «این باشگاه برای چین و هند به اندازه کافی بزرگ نیست» منتشر کرد. تز آن این است که «تنش بین رقابای آسیایی احتمالاً مانع از ایجاد یک منسجم بلوک بریکس خواهد شد. چالشی با غرب». این یک تلاش هکرانه برای تمرکز بر تضادهای موجود بین چین و هند برای ایجاد گوه و تضعیف وحدت بریکس است.

درست است، هند ممکن است نگران تسلط چین بر گروه بریکس باشد. اما پس از آن، چین همچنین نماینده قوی برای گسترش بریکس و افزایش نمایندگی کشورهای در حال توسعه است. آیا این یک همگرایی استراتژیک را نشان نمی‌دهد؟

اساساً، علیرغم اختلافات مرزی حل نشده، هند و چین دیدگاه مشترکی دارند مبنی بر اینکه برجام نقش اساسی در صحنه جهانی چندجانبه ایفا می‌کند. هر دو کشور همچنین برجام را به عنوان بستری برای ارتقای جایگاه و نفوذ بین‌المللی خود می‌بینند. این اشتراک منافع همان چیزی است که غرب را نگران می‌کند.

برای هند، BRICS یک پلت فرم ابزاری مطلوب برای تحقق آرمان خود برای دستیابی به نمایندگی بیشتر در صحنه بین‌المللی است. بنا براین، موفقیت بریکس تنها

می‌تواند سیاست خارجی هند را تقویت کند و حتی ممکن است انرژی و فضای مثبتی را در روابط آن با چین ایجاد کند.

-- با تقدیم احترامات «2023-08-28»

مقاله دوم

نویسنده: ایلدر مامیدوف «Elder Mamedov».

منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2023-08-28»

برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

آیا بریکس برای رقابت عربستان و ایران به اندازه کافی بزرگ است؟

Is BRICS big enough for the Saudi-Iran rivalry?



پیوستن به این گروه ممکن است بهترین اتفاقی باشد که برای دو قدرت خاورمیانه در حال حرکت به سمت عادی سازی است

Joining the grouping might just be the best thing to happen to the two Middle East powers as they navigate towards normalization

یکی از جنبه های قابل توجه گسترش "بیگ بنگ" بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) که در نشست این هفته در ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی اعلام شد، دعوت نامه برای پیوستن به این گروه است که از جمله دیگران، ایران و عربستان سعودی - رقبای ژئوپلیتیکی در خلیج فارس اند به گروه بریکس پیوستند.

پس از اینکه ایران در سال 2022 به عضویت کامل سازمان همکاری شانگهای (SCO) درآمد و عربستان سعودی «شریک گفت‌وگو» این مجمع امنیتی اوراسیا به رهبری چین (با چشم‌انداز عضویت کامل)، اکنون دومین پلتفرم چند جانبه برای این سازمان است. همکاری و گفتگو بین ریاض و تهران.

الحاق همزمان به برجام و در آینده الحاق عربستان به سازمان همکاری شانگهای می‌تواند روند اولیه عادی سازی دوجانبه بین تهران و ریاض را بیشتر تقویت کند. بدینا به ناکارآمدی ادعایی بریکس اشاره می‌کنند که برخلاف اتحادیه اروپا یا ناتو، فاقد معیارهای شفاف الحاق است و کشورهای را جمع می‌کند که ظاهراً اشتراکات کمی دارند به جز برخی نارضایتی مبهم تعریف شده از «نظم مبتنی بر قوانین» به رهبری ایالات متحده.

با این حال، این انعطاف پذیری و فقدان «قوانین» سفت و سخت می‌تواند بیشتر یک دارایی باشد تا یک نقص. برای ایران و عربستان سعودی، آنچه اهمیت دارد، یک مسیر است، چشم‌انداز عادی سازی بلند مدت به جای نتایج فوری و تعهدات و انتظارات غیر واقعی به عبارت دیگر، مجمعی مانند بریکس، که در آن هر دو کشور می‌توانند به طور مساوی با یکدیگر تعامل داشته باشند و همه تصمیمات با اجماع اتخاذ شود، می‌تواند عرصه مناسبی برای ایجاد اعتماد متقابل باشد.

البته چنین چشم‌اندازی اجتناب ناپذیر نیست. واکنش‌های تهران و ریاض به دعوت برای پیوستن به بریکس از نظر لحن و ماهیت کاملاً متفاوت بود. در حالی که مقامات ایرانی از این چشم‌انداز خوشحال بودند، سعودی‌ها بسیار محتاطتر بودند و به نیا ز به مطالعه بیشتر جزئیات مربوط به عضویت قبل از تأیید قصد خود برای پیوستن اشاره کردند.

این نابرابری ناشی از نیازهای متفاوت هر دو کشور است: برای ایران، غلبه بر آنچه تربیتا پارسی، معاون اجرایی مؤسسه کوئینسی، «نقش دروازه بانی» ایالات متحده در جامعه بین‌المللی نامید، ضروری است. از این زاویه، پیوستن به بریکس از نظر دیپلماتیک برای ایران بسیار تاثیرگذارتر از سازمان همکاری شانگهای است. برخلاف دومی، بریکس واقعاً جهانی است و نمی‌توان آن را به عنوان یک باشگاه خودکامه اوراسیا رد کرد. در میان اعضای آن دموکراسی وجود دارد - برزیل، هند، آفریقای جنوبی، و در صورت تأیید عضویت پس از انتخابات اواخر سال جاری، آرژانتین.

هیچ یک از این کشورها را نمی‌توان در زمره استبداد ضد آمریکایی طبقه بندی کرد. با این حال، روابط غربی و حکومت دموکراتیک آنها مانعی در روشن کردن پیوستن ایران به ایران نبود. تهران حق دارد که آن را یک موفقیت دیپلماتیک ببیند.

از سوی دیگر، عربستان سعودی نیازی به شکستن هیچ سقف دیپلماتیکی ندارد. برعکس، ایالات متحده برای معامله ای مورد محاکمه قرار می‌گیرد که ظاهراً شامل تضمین‌های امنیتی ایالات متحده برای پادشاهی در ازای عربستان سعودی می‌شود.

عادی سازی اسرائیل با این حال، پیوستن به بریکس در استراتژی گسترده تر عربستان برای تنوع بخشیدن به روابط خارجی و به ویژه ایجاد روابط نزدیکتر با چین است. بنابراین، این احتمال وجود دارد که عربستان سعودی پس از یک مکث دیپلماتیک لازم، دعوت بریکس را بپذیرد.

ممکن است مسائل با پیوستن به سازمان همکاری شانگهای پیچیده تر شود، زیرا بنا بر گزارش ها، یکی از خواسته های بی سرو صدا ایالات متحده از عربستان سعودی در ازای مزایای امنیتی پیشنهادی، دور ماندن از مدار چین است. در این زمینه، عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای ممکن است پلی برای ریاض باشد. با این حال، چنین عضویتی قریب الوقوع نیست. در همین حال، وضعیت شریک گفتگوی سازمان همکاری شانگهای که پادشاهی در اوایل سال 2023 به دست آورد، پیوند دیگری را به ایران، به عنوان عضو دائمی، فراهم می کند.

با این حال، در نهایت، پلتفرم هایی مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای تنها می توانند کمک کنند، اما نمی توانند جایگزین مسیر عادی سازی دوجانبه عربستان و ایران شوند. در حالی که گفت و گوی تهران-ریاض با نشست های بلندپایه وزرای خارجه و مقامات ارشد دفاعی پیش می رود، هنوز در مراحل اولیه خود است. با وجود برنامه های زمانی خوش بینانه، کار هیئت های دیپلماتیک در هر دو کشور هنوز به طور کامل از سر گرفته نشده است.

مناقشات بر سر میدان گازی مورد مناقشه آرش/دورا که عربستان و کویت را در مقابل ایران قرار می دهد هنوز حل نشده است. عربستان سعودی اصرار دارد که در درازمدت، ایران باید راهبرد دفاعی- منطقه ای خود - یعنی اتکا به نیابت ها و متحدان غیردولتی را که عربستان سعودی و سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک تهدید می بینند، بررسی کند، بدون اینکه مشخص کند چه چیزی مربوط به آن است. امتیازاتی که ریاض مایل به پذیرش است. پس از دهه ها تنش که به سال 1979 باز می گردد، بی اعتمادی متقابل عمیق است و دلایل ساختاری آن هنوز از حذف دور مانده است.

شاید در این مرحله، عربستان سعودی به صراحت اعلام کرده است که به دنبال معافیت از تحریم های آمریکا علیه ایران نخواهد بود، مگر اینکه نوعی توافق هسته ای بین واشنگتن و تهران وجود داشته باشد. اتفاقی بعید با توجه به ورود ایالات متحده به آن. فصل جدید انتخاباتی که در آن هیچ یک از احزاب سیاسی نخواهند خواستار ایران به نظر برسند. نتیجه این است که منافع اقتصادی پیش بینی شده از نزدیکی عربستان و ایران ممکن است به کندی تحقق یابد.

با توجه به این درگیری های عمیق تر، این احتمال وجود دارد که روابط عربستان و ایران دچار افت و خیز بیشتری شود. اگر آنها دوباره به سمت تقابل بیشتری بروند، ممکن

است بر انسجام بریکس تأثیر منفی بگذارد و هر دو طرف از هر اهرمی که دارند به ضرر طرف مقابل استفاده کنند. در این صورت، اعضای فعلی بریکس ممکن است از تصمیم وارد کردن رقابت‌های ژئوپلیتیکی از خلیج فارس به گروه خود ناراحت شوند.

این امر به ویژه برای خودتلقى بریکس به‌عنوان انجمنی برای همکاری‌های بین‌دولتی، بر خلاف نهادهای تحت سلطه غرب، مانند OECD، برتون وودز، و ناتو که بر اساس هژمونی ایالات متحده است، مضر است. با این حال لزوماً نباید چنین باشد. روابط بین چین و هند نیز تا حدی به دلیل یک اختلاف مرزی طولانی مدت خالی از تنش نیست: در سال 2020، تعداد زیادی سرباز هندی و چینی در یک درگیری مسلحانه کشته شدند. هر دو کشور همچنین برای رهبری در جنوب جهانی رقابت می‌کنند.

با این حال، پکن و دهلی نیز به دنبال حفظ گفتگو و روابط نزدیک اقتصادی هستند. تا کنون، آنها اجازه نداده‌اند که اختلافات شان مانع از بریکس شود، و گسترش جاه‌طلبانه این هفته این گروه، گواه برتری عمل‌گرایی است.

دلیلی وجود ندارد که تهران و ریاض نتوانند اختلافات خود را به شیوه‌ای مشابهاً به مدیریت کنند. **چین**، یک قدرت پیشرو در هر دو برجام و سازمان همکاری شانگهای، نیز نقش مهمی در آغاز نزدیکی عربستان و ایران ایفا کرد و می‌توان انتظار داشت که در این فرآیند سرمایه‌گذاری بیشتری کند. مهمتر از همه، تهران و ریاض منافع ملی پایدار را در ادامه تنش زدایی و عادی‌سازی روابط می‌بینند. حداقل در آینده نزدیک به نظر می‌رسد که این مسیر با وجود مشکلاتی که در راه است حفظ شود. عضویت مشترک در بریکس - و در آینده، احتمالاً در سازمان همکاری شانگهای - مکان‌های بیشتری را برای فرآیند اعتمادسازی فراهم می‌کند.

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

الدار ممدوف از سال 2007 به عنوان مشاور سیاسی سوسیال دموکرات‌ها در کمیته روابط خارجی پارلمان اروپا (EP) کار می‌کند و ریاست هیئت‌های پارلمان اروپا در زمینه روابط بین پارلمانی با ایران، عراق، شبه جزیره عربستان و مشرق را بر عهده دارد.



الدار مامیدوب

----- با تقدیم احترامات «2023-08-29»

